

## توزین دلالی روایات عرضه بر قرآن با تاکید بر نظر محقق نائینی

### چکیده

در میان ملاک‌های گوناگونی که برای پالایش روایات مورد توجه عالمان علم اصول قرار گرفته، استوارترین راه عرضه روایات بر قرآن کریم است. زیرا از سویی قرآن، کلام الهی و منبع پیراسته از هر ناراستی است. و از سوی دیگر مفاد اخبار عرضه، ضرورت اعتبار سنجی اخبار با قرآن می‌باشد. از آنجا که مدلول روایات عرضه متفاوت و گاه چند وجهی است، پژوهش حاضر در پی واکاوی این پرسش است که از منظر محقق نائینی مدلول روایات عرضه چگونه قابل تفسیر است و وجه تمایز آن از سایر دیدگاه‌ها کدام است؟ مساله تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، مواردی همچون منطق تقدم کتاب، معنا شناسی اخبار عرضه و اختصاص یا عدم اختصاص به باب تعارض را مورد بررسی قرار داده روش و «دیدگاه قضیه خارجی دانستن روایات عرضه» از منظر نائینی را ترجیح داده است. یافته این دیدگاه اشکال عمده در دانش اصول نسبت به مفاد اخبار عرضه و تخالف روایات و قرآن کریم را پاسخ می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** قرآن، روایات عرضه، اخبار علاجیه، قرآن محوری، نائینی

## مقدمه

در میان ملاک‌های گوناگونی که برای پالایش روایات مورد توجه عالمان علم اصول قرار گرفته، متقن‌ترین و استوارترین راه عرضه روایات بر قرآن کریم است. از این رو عرضه روایات بر قرآن و توزین دلالتی آنها با قرآن رویه مالوف در سنت اصولی-فقهی از گذشته تا کنون بوده است و اساساً مفاد دسته‌ای از روایات با عنوان اخبار عرضه چیزی جز لزوم ارزیابی و اعتبار سنجی روایات با قرآن نیست. عرضه روایت بر قرآن به عنوان حجت اقوی موجب تحکیم و ابتناء استوار سنت و حاکی از جایگاه بلند قرآن در شریعت و محوریت در بیان احکام است. شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۴۹) شیخ طوسی، (طوسی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۱۶ و ۲۲۹؛ ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۸۸) سید مرتضی (سید مرتضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۰) ابن زهره، (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۳۰۷ و ۳۲۸) شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۲۴۵) در الفائده الثامنه وسائل و عالمان علم اصول در بحث حجیت خبر واحد، تخصیص عام و اطلاق قرآن، تعادل و ترجیح به این موازنه استناد و اشاره نموده‌اند. در عین حال بازکاوی و ارزیابی مجدد مفاد اخبار عرضه ضرورت دارد. زیرا:

۱: برخی مباحث نوپدید است که به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه عالمان علم اصول و محققان گفته شده قرار گرفته است به عنوان نمونه اراده‌ی معنای خاص خداوند از الفاظ و آیات قرآن و از جمله آیات الاحکام توسط مباحث زبان شناختی جدید و هرمنوتیک نسبی گرا مورد نقد قرار گرفته است. آنها معتقدند گوینده الفاظ و کلمات از جمله خداوند در قرآن کریم معنا و مراد خاصی را قصد نکرده بلکه الفاظ قرآن ظرفیت حمل معانی و مقاصد گوناگون را دارد. ۲: امکان وصول به مراد خداوند از آیات قرآن مستقل از روایات تفسیری، ادعای دیگری است که برخی

از اخباریین از گذشته در آن مناقشه کرده‌اند و امروزه نیز به گونه‌ای در حال بازسازی است. در حالی که از اخبار عرضه به دست می‌آید که اولاً خداوند معنای خاصی را از آیات اراده نموده است و ثانیاً زمینه وصول به مراد الهی نیز وجود دارد و الا معنایی نداشت که قرآن به عنوان مبنا و معیار سنجش احادیث معرفی گردد. ۳: مورد سوم و مهم‌تر این که در سال‌های اخیر جمعی با عنوان قرآن محوری و با رویکردی انتقادی در صدد ارائه فهم و دریافت متفاوتی از مفاد اخبار عرضه برآمده‌اند. آنها با اصالت بخشیدن به قرآن در فرایند استنباط سهم سنت را تقلیل داده و بر عرضه گسترده و وسیع اخبار بر قرآن اصرار دارند. در این میان یکی از مبانی و مستندات آنها اخبار عرضه است. به عنوان نمونه سید محمد حسین فضل الله اصطلاح مرجعیه القرآن و تنقیه السنه (غلام علی، ۱۴۳۲، شماره ۱۹) را و دیگری تعبیر السنه الشریفه المنضبطه بالقرآن را به کار برده است یعنی سنتی که با قرآن سازگار و سنجیده شود. (طلال الحسن، بی‌تا، ۱۹؛ نخبه من الباحثین، ۱۴۳۴، ص ۵۵ و ۵۳) او می‌گوید که «ما معتقد به سنت شریفه هستیم و اعتقاد به ضرورت عمل بر طبق سنت را داریم ولیکن مشروط می‌دانیم به این که در قدم اول باید موافقت سنت با قانون اسلام که همان قرآن کریم است احراز گردد.» (طلال الحسن، بی‌تا، ص ۶۱؛ نیز رک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۱۰۷ و ج ۱۳، ص ۱۵۶) و سپس ادعا می‌کند که شیعه به روایات عرض حدیث بر قرآن به شکل محدود و فقط در دایره تعارض عمل نموده است. (طلال الحسن، بی‌تا، ص ۴۵) تحقیق حاضر در صدد بررسی مفاد اخبار عرضه ناظر به مسائل گفته شده بویژه رویکرد قرآن محوری آن هم با تاکید بر نظر محقق نائینی است. تمرکز بر محقق نائینی از این جهت حائز اهمیت است که رای و نظر ایشان حامل میزانی از نوآوری و تقریر متفاوتی است افزون بر این که محققین پس از خود را هم تحت تاثیر قرار داده است. اکنون برخی از پرسش‌های مرتبط با اخبار عرضه

اشاره می‌شود. ۱: مفاد اخبار عرضه چیست آیا اطلاق دارد یا اختصاص به مورد تعارض دارد؟ ۲: معیار اصلی کدام است؟ لزوم موافقت با قرآن یا عدم مخالفت؟ ۳: در صورت طرد خبر مخالف با قرآن مخالفت از نوع تباین مد نظر است یا عموم مطلق؟

پیشینه تحقیق:

در سال‌های اخیر پژوهش‌های مستقلی از برخی نویسندگان با عناوینی چون بررسی تحلیلی روایات عرضه در گزاره‌های تاریخی مربوط به سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نقد متنی روایات تفسیر نور الثقلین بر اساس مستندات قرآنی، بررسی روایات عرضه، اقتراح تحلیل روایات عرضه حدیث بر قرآن، عرضه روایات بر قرآن کریم از نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نوشته و در مجلات انتشار یافته است اما از جهاتی لزوم بازپژوهی و ارزیابی مجدد اخبار عرضه احساس می‌شود. زیرا برخی از مقالات گفته شده (دو مقاله اول) تمرکز بر روایات تفسیری دارند، مقاله سوم به بررسی مدالیل و فقه الحدیث روایات عرضه از منظر فریقین پرداخته و ضمن نقل مجموعه احادیث عرضه، به اختصار مدالیل آنها را دسته بندی نموده است. مقاله چهارم نیز گزارش کوتاهی از اخبار عرضه ارائه کرده است، مقاله آخر نیز به صورت موردی کاربرست عرضه روایات بر قرآن را از منظر علامه طباطبایی در المیزان مورد بررسی قرار داده است. تحقیق حاضر ضمن ارج نهادن به کوشش علمی انجام گرفته، به ارزیابی مدلول روایات عرضه با تاکید بر نظر محقق نائینی پرداخته و با تبیین نسبت کتاب و سنت و نیز منطق تقدم کتاب به نقد دیدگاه قرآن محوری پرداخته و در نهایت با ترجیح «دیدگاه قضیه خارجی دانستن روایات عرضه» از منظر نائینی، به اشکال عمده در دانش اصول پاسخ داده است.

ابتدا جهت تنقیح بحث و روشن شدن مرکز اصلی بحث نکاتی یادآوری می‌شود:

۱: شاکله اصلی فقه اسلامی بر اساس سنت محکمه شکل گرفته است یعنی فعل، قول و تقریر معصوم که غالباً توسط خبر واحد و در موارد اندکی به واسطه خبر متواتر یا متضافر گزارش‌گری شده است.

۲: از آنجایی که حدیث آسیب‌ها و آفت‌های مختلفی در مرحله صدور، ضبط و نقل از قبیل تقیه و توریه، تصحیف و تحریف، قلب، اضطراب و اختصار، نقل به معنا و وضع و دس را تجربه کرده است (مسعودی، ۱۳۹۴، فصل اول) (که البته این آسیب‌ها نه از سرچشمه آن بلکه برخاسته از مراحل بعدی به منظور رسیدن به دست ما است) در سنت و منابع روایی، علم حدیث و دانش رجال و اصول، ساز و کارهای مختلفی برای سنجش و ارزیابی حدیث در سه عرصه سند (راوی شناسی)، جهت صدور (تقیه یا عدم آن) و متن و صحت مضمونی (مثل مطابقت با قرآن و سنت قطعی) صورت پذیرفته است. (رک: مامقانی، ۱۴۱۱، ص ۳۶) که البته به جز اولی، دو مورد دیگر در دانش اصول پی گرفته شده زیرا از شرایط حجیت محکی و عوارض طاری بر سنت است. حال مراد از اخبار عرضه چیست؟

## ۱: اخبار عرضه

روایات عرضه که در مباحث مختلفی از علم اصول از قبیل حجیت قرآن و پیراستگی از تحریف، حجیت خبر واحد و ظواهر قرآن کریم، تخصیص قرآن با خبر واحد و نیز تعادل و تراجیح مورد بحث واقع شده است حامل مقاصد و مدالیل مختلفی است که مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب

القضاء وسائل الشيعة در جلد ۲۷ در ابواب صفات قاضی، باب ۹، باب وجوه الجمع بین الاحادیث المختلفة و کیفیه العمل بها آنها را ذکر کرده است. تعدد روایات به اندازه‌ای است که برخی از آنها به متضافر (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۸۳؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۱۵؛ سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۳۶) و یا متواتر (معنوی یا اجمالی) (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۴۷؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۲) یاد کرده‌اند، بنا بر این چندان نیازی به بحث از سند نیست بویژه ادعای تواتر اجمالی یا معنوی که از ناحیه برخی از اصولیین از جمله مرحوم آخوند و نائینی شده است زیرا طبق تواتر اجمالی، اجمالاً علم به صدور برخی از این اخبار داریم و طبق تواتر مضمونی یک مضمون مشترک و جامع در بین همه آنها یقیناً یافت می‌شود. این اخبار در دانش اصول به عنوان اخبار عرضه، اخبار طرح و اخبار علاجیه شهرت یافته است و به عنوان یکی از مهم‌ترین سنجه‌های متن و مضمون و یا ترجیح حدیث است هر چند در قبال سنجه سندی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس بعد از این که سلسله سند همه مورد وثوق بودند تنها حکم به تصحیح سند یا صحیح الاسناد می‌شود اما حکم به صحت حدیث منوط به باز کاوی متن و مضمون حدیث و عدم مخالفت آن با کتاب و سنت قطعی است.

## ۱-۱: مدلول شناسی روایات عرضه

نوع چینش و چگونگی تقسیمات ارائه شده از روایات گفته شده از مباحث مهم در ارزیابی و نسبت سنجی آنها با یکدیگر است که گاه فهم متفاوتی از مدلول روایات را در پی دارد. مفاد برخی از روایات اثباتی است. حال یا با عنوان موافقت مثل **فَمَا وَافَقَ حُكْمُهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَخُذُوهُ، فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ،**

فَاتَّبِعُوا مَا وَافَقَ الْكِتَابَ ، فَأَعْرِضُوهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ - فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ ، نُوراً فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ ، فَإِنْ وَجَدْتُمُوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقاً فَخُذُوا بِهِ ، يَا بَا عِنَانِ وجود شاهد یا شاهدین از قرآن مثل فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِداً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ، فَوَجَدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِداً أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ . در بخش دیگری از روایات لسان سلب به کار رفته است مانند مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرَفٌ ، وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ ، وَإِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقاً فَرُدُّوهُ . در برخی نیز تعبیر مخالفت با کتاب همچون وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ ، وَ يَتْرَكُ مَا خَالَفَ حُكْمَهُ حُكْمَ الْكِتَابِ ، وَ مَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ .، وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَرُدُّوهُ ، وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ (رک: شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، صص ۱۰۶-۱۲۴) به کار رفته است. از مجموعه طوایف و گونه‌های گفته شده سه عنوان مخالفت با کتاب، عدم موافقت با کتاب و عدم وجود شاهد یا شاهدین از کتاب قابل انتزاع است. اگر چه برخی از محققین هر سه عنوان را به یک عنوان که همان مخالفت با کتاب باشد (اخص مضمونا) فرو کاسته است زیرا اگر روایتی مخالف با کتاب بود در حقیقت هم موافق قرآن نیست و هم شاهد یا شاهدین از قرآن نیز ندارد. (رک: موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۲ ج ۲، ص ۱۲۲)

اکنون این پرسش پاسخ داده می‌شود که مفاد اخبار عرضه چیست آیا اطلاق دارد یا اختصاص به مورد تعارض دارد؟

## ۲-۱: مفاد دو گانه اخبار عرضه

عموم اصولیین اخبار عرضه را در دو سطح اخبار طرح و اخبار علاجیه (باب تعارض) دسته بندی نموده‌اند. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۹۰؛ امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵۵۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۲) (البته محقق داماد مفاد اخبار زخرف و باطل بودن مخالف با قرآن را به عنوان قسم مستقلی در نظر گرفته است) بدین معنا که بخشی از روایات می‌گویند خبری که مخالف با کتاب باشد مطلقاً از درجه اعتبار ساقط است و فاقد ضوابط لازم برای حجیت است. از این رو مفاد این دسته در صدد بیان تمیز حجت از لا حجت است. تعبیر به کار رفته در این دسته چون زخرف، لم نقله و باطل گویای همین معناست. بخش دیگری از روایات که به تعبیر فنی از آنها به اخبار علاجیه تعبیر می‌شود اختصاص به باب تعارض و رویارویی دو خبر دارد که اگر تعارضی بین آن دو نبود، هر دو خبر معتبر بودند. به تعبیر دیگر پس از کسب شرایط حجیت و اعتبار، از حیث مدلول با یکدیگر تنافی و ناسازگاری دارند بر این اساس موافقت با قرآن به عنوان مرجح در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال اگر یک روایت نوع خاصی از ماهی را حرام و روایت دیگر آن را حلال می‌دانست و سند و دلالت و جهت صدور هر یک از این دو روایت نیز تمام بود. در این صورت دو روایت با هم تعارض دارند. حال چون روایت حلیت با اطلاق آیه «أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» (مائده: ۹۶) موافق است بر خبر مفید حرمت ترجیح دارد. در مقام اثبات و واقع نیز علماء علم اصول به هر دو عرصه پرداخته و نتایجی را در فقه بر آن مترتب نموده‌اند بدین معنا که بر طبق بخش اول نظر به عدم اعتبار و حجیت خبر مخالف با قرآن داده‌اند و در مقام تعارض نیز با تحفظ بر ضوابط مرجحات باب تعارض و تقدیم و تاخیر بین آنها، حکم به ترجیح خبر موافق با کتاب داده‌اند. محقق نائینی نیز در فرائد الاصول همین استنتاج را از مدلول اخبار عرضه داشته و آنها را در دو قسم ذکر کرده است. اخباری که به طرح خبر مخالف با قرآن نظر دارند و اخباری

که به مقام تعارض اختصاص داشته و خبر موافق با کتاب را راجح دانسته است. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۹۰) با این وجود برخی نویسندگان بر این باورند که اصولیین تنها در باب تعارض به اخبار عرضه توجه داشته‌اند و بخش اول که تفکیک حجت از لا حجت است مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این نویسنده ابتدا به سه رویکرد در رابطه روایات و قرآن اشاره می‌کند و معتقد است که گروهی تنها قرآن را مصدر یگانه برای همه معارف دینی دانسته‌اند و سنت را به استناد این که محفوف به شک و وضع و تحریف است رها نموده‌اند. او از این‌ها به قرآنیون تعبیر می‌کند. گروه دوم در تقابل با قرآنیون را کسانی می‌داند که یگانه مرجع در معارف دینی را سنت و حدیث دانسته‌اند. به ادعای وی این گروه در امامیه خود به دو گروه تقسیم می‌شود گروهی مثل اخباریین و در راس آنها استرآبادی قرآن را از اعتبار ساقط دانسته است با این ادعا که قرآن تنها برای من خطب به (مخاطبین) حجت است که پیامبر (ص) و ائمه (ع) هستند. وی این گروه را محدثین نام گذاشته و از شیخ صدوق و مجلسی و بحرانی و استرآبادی در این گروه نام می‌برد. گروه دوم اصولیین شیعه هستند که این‌ها مرجعیت حدیث را در معارف پذیرفته‌اند اما به شکل محدودی تنها در فرض تعارض با اخبار به موافقت با کتاب به عنوان یک مرجع نظر دارند. او این گروه را که به علم اصول در فرایند استنباط نظر دارند، اصحاب اسلام الحدیث می‌خواند که به اعتبار محدود و ضیق قرآن نظر دارند. وی خود رویکرد اول را که قرآنیون باشند و رویکرد دوم را با دو گروه خود مردود می‌داند و رویکرد سوم که به نظر وی همان محوریه القرآن و مداریه السنه است را بر می‌گزیند. او در این رویکرد می‌گوید قرآن مصدر اصلی و پایه‌ای در همه معارف دینی است و در قبال قرآن، هیچ چیز دیگر در تبیین قواعد و دستورات دینی در منظومه اسلامی قابل طرح نیست و سنت در طول و در ظل و سایه قرآن قرار می‌گیرد. از نظر او در این رویکرد

ضرورت عرض روایات بر قرآن به منظور شناخت مقدار دلالت روایات و نیز موافقت روایات با اصول و قواعد و دستورات قرآن ضروری است (نه فقط در فرض تعارض) و از این رویکرد خود به اسلام القرآن فی قبال اسلام الحدیث تعبیر می‌کند. (طلال الحسن، بی‌تا، صص ۵۵-۵۶؛ ۱۴۳۷، صص ۲۵-۳۰) یکی از نتایج رویکرد مزبور این است که عملاً حضور سنت در فرایند استنباط ضیق و محدود می‌شود. (حب الله، ۲۰۰۶، ص ۶۱۲ به بعد) و در فقه نیز خروجی‌های قابل تاملی را در پی دارد. این ادعا ناشی از عدم توجه به مفاد دو دسته از روایات با عنوان طرح روایت مخالف کتاب و عدم حجیت آن و نیز روایات علاجیه یا اخباری که در صدد ترجیح موافق روایت موافق با کتاب در فرض متعارضین است.

### ۳-۱: مفهوم مخالفت در روایات عرضه

چنان که گذشت از روایات عرضه سه عنوان مخالفت با کتاب، عدم موافقت با کتاب و عدم وجود شاهد یا شاهدین از کتاب قابل انتزاع است که برخی هر سه را به یک عنوان که همان مخالفت با کتاب باشد (اخص مضمونا) فرو کاسته است زیرا اگر روایتی مخالف با کتاب بود در حقیقت هم موافق قرآن نیست و هم شاهد یا شاهدین از قرآن نیز ندارد. (رک: موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۲) که هم در تعارض دو خبر و هم غیر تعارض یعنی تنافی یک روایت با قرآن تصویر می‌شود. حال یکی از چالش‌های عمده در بین محققین علم اصول، تبیین درست و منطقی از عنوان مخالفت در روایات عرضه است. به تعبیر دیگر مقصود از طرد روایات مخالف با قرآن چیست؟ آنچه که این موضوع را پیچیده‌تر کرده است صدور انبوه روایات مسلم الصدوری است که از ائمه معصومین (ع) صادر شده است و در عین حال به حسب

ظاهر در بردارنده نوعی از عدم وفاق با قرآن است. مرحوم شیخ انصاری در کتاب فرائد الاصول و محقق خراسانی در کفایه و محقق نائینی در فوائد الاصول و نیز به نقل اجود التقریرات بیانات مختلفی در تفسیر عنوان مخالفت دارند. مرحوم آخوند خراسانی در کفایه (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۷) و جمعی دیگر از اصولیین تخالف روایت با قرآن را از نوع تباین و تنافی کلی دانسته‌اند. مثلاً اگر در قرآن عملی واجب شمرده شود اما روایت بگوید حرام است بیانگر تباین و تنافی کلی میان روایت و قرآن است اما عموم و خصوص مطلق یا اطلاق و تقيید میان قرآن و روایات اساساً در نظر عرف مخالفت محسوب نمی‌شود. به عنوان نمونه قرآن کریم ربا را تحریم نموده اما روایات ربای بین پدر و فرزند را از تحت آن خارج دانسته است. (شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۷۱)

## ۲: اشکال بر تخالف تباینی

اشکالی که به این بیان وارد شده اشکالی است که مرحوم شیخ انصاری در فرائد الاصول ایراد نموده و آن این که حجم بسیار اندکی از روایات ما با قرآن تباین کلی دارد و یا مصداقاً چنین روایاتی نداریم از این رو این همه اهتمام روایات عرضه مبنی بر لزوم عرض روایات بر کتاب الله را ناظر به تعداد محدودی از روایات نماییم، پذیرفته نیست. بویژه که جاعلان حدیث نیز معمولاً جهت پذیرش احادیث جعلی خود، احادیثی را جعل می‌کردند که در تباین کلی با قرآن نباشد. (شیخ انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۵۱) لذا شیخ انصاری برای این که محمل مناسبی برای اخبار عرضه بیابد فرموده است که مورد کاربست این اخبار یا معطوف به اخباری است که مربوط به اصول دین است و از بحث ما که مربوط به فروع دین است خارج است، یا این اخبار را حمل

بر صورت تعارض کنیم و یا حمل بر خبر غیر ثقه شود زیرا خبر ثقه به ادله قطعیة حجیتش ثابت شده است. محقق خراسانی در کفایه نیز می‌فرماید شاید مقصود از اخبار عرضه و زخرف و باطل دانستن خبر مخالف با قرآن، خبری باشد که با مراد واقعی خداوند و یا باطن قرآن مخالف باشد از این رو مخالفت با ظاهر قرآن مراد نیست البته با تعبیر فافهم می‌افزاید مشکل این است که فهم باطن قرآن برای افراد غیر از ائمه (ع) امکان پذیر نیست از این رو این معیار نمی‌تواند یک معیار جدی در سنجش روایات باشد. (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۷) چنان‌که روشن است تحلیل این دسته از اصولیین مبتنی بر نص آیات و گزاره‌های قرآنی است و در واقع مواجهه روایات مخالف را با نصوص قرآن دانسته‌اند.

در مقابل شهید صدر و برخی دیگر از محققین مواجهه اخبار مخالف با قرآن را به روح آیات قرآن و نه نص و الفاظ آن دانسته‌اند. شهید صدر در ابتدا می‌پذیرد که مخالفت در روایات عرضه معنای عامی دارد و هر گونه تنافی اعم از تباین، عموم و خصوص مطلق، من وجه، تخصیص و تقیید و حکومت همه را شامل می‌شود (تعارض مستقر و غیر مستقر) حال محققین برای خروج روایاتی که به ظاهر متنافی می‌رسند یکی از این دو راه را برگزیده‌اند. برخی برآنند که معارضه تخصیصی، تقییدی و حکومتی عرفاً مخالفت نیست چون خاص و مقید و حاکم، قرینه است و مراد اصلی گوینده را ارائه می‌کند. برخی دیگر معتقدند که با توجه به این که انسان یقین به صدور بسیاری از مخصصات و مقیدات از ناحیه اهل بیت (ع) دارد گویا این علم اجمالی نقش قرینه متصله را در عنوان مخالفت ایفا می‌کند و یا لا اقل اطلاعات قرآنی را از حجیت ساقط می‌کند. ایشان در ادامه می‌نویسد ممکن است ما اخبار عرضه را به گونه‌ای تفسیر کنیم که نیازی به مباحث

گذشته هم نباشد و آن این که مقصود از مخالفت، تخالف با روح عام قرآن باشد یعنی طبیعت تشریعات قرآنی و مزاج احکام الهی، بنا بر این مخالفت با آیه‌ای خاص مقصود نیست. با توجه به این معنای متخذ، کنار نهادن ادله ظنی‌ای که با قرآن معارض است از اخبار عرض استفاده نمی‌شود مگر زمانی که این معارضه منجر به الغای یک اصل مستفاد قرآنی واضح شود مثلاً اگر خبری بر عدم تسویه در خلقت و یا نقص و خست قومی یا این که فلان قوم بشر قسمی از جن هستند، دلالت داشت این خبر به دلیل مخالفت با تساوی بشر در خلقت طرح می‌شود. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۳۳؛ ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۶۵۲) آیت الله سیستانی همین نظر را با بسط و تفصیل بیشتری برگزیده است. ایشان می‌نویسد اکثر اصولیین متاخر مفاد اخبار عرضه را به موافقت و مخالفت با نص قرآن تفسیر نموده‌اند بدین معنا که روایت را بر یک آیه مشخصی از قرآن عرضه نموده‌اند. اگر نسبت بین آنها تباین و یا عموم و خصوص من وجه بود (در ماده اجتماع) خبر را طرح می‌کنند ولی اگر عموم و خصوص مطلق بود به حدیث عمل می‌کنند. اما ایشان معتقد است مقصود از کلمه موافقت در روایات عرضه، توافق روحی و مضمونی با اصول عام مستفاد از کتاب و سنت معیار است. به عنوان نمونه اگر ظاهر روایتی بر جبر دلالت داشت به خاطر مخالفت این روایت با کتاب و سنت و انهداده می‌شود در حالی که ما روایت را با آیه مشخصی مقارنه نکرده‌ایم. (سیستانی، ۱۴۱۴، صص ۱۱-۱۲) بر این اساس ایشان در ابتدا نسبت عمل به قیاس را در مورد کسانی از جمله ابن جنید، توجیه نموده است و می‌فرماید شاید مراد از عمل ابن جنید به قیاس همان عرضه و قیاس روایات با روح کتاب و سنت باشد چنان که در روایت حسن بن جهم از امام رضا (ع) در مورد نقل اخبار متعارض از ائمه (ع)، حضرت فرمود مَا جَاءَكَ عَنَّا فَقِسْهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَحَادِيثِنَا فَإِنْ كَانَ يُشَبِّهُمَا فَهُوَ مِنَّا وَإِنْ لَمْ يُشَبِّهُمَا فَلَيْسَ مِنَّا. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۵۷/۲) شاهد بر

این مدعا این است که در برخی منابع بزرگانی از اصحاب همچون فضل بن شاذان، یونس بن عبد الرحمن و یا زراره بن اعین و جمیل بن دراج و عبد الله بن بکیر را عامل به قیاس معرفی کرده است در حالی که این نسبت با جلالت شان آنها سازگار نیست از این رو محمل مقبول آن همان معنایی است که ما از قیاس ذکر کردیم. برخی از محققین و قرآن پژوهان هم مثل مرحوم آیت الله معرفت تباین در روایات عرضه را مخالفت با بنیان دین و روح شریعت یعنی اهداف و مقاصد شریعت دانسته‌اند. (رک: معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۲۳) اگر چه این نظریه مشی متفاوتی در پیش گرفته و تا حدی اشکالات سابق را مرتفع می‌کند و به آن بخش از معانی و مقاصد شارع که از مجموعه گزاره‌ها و کنار هم نهادن آنها به دست می‌آید، نظر دارد، اما با توجه به مفاد روایات عرضه جای این مذاقه وجود دارد که آیا امکان ارائه این تفسیر موسع و گسترده از روایات عرضه وجود دارد؟ ثانیاً بر اساس چه منطق و قاعده‌ای ما به قواعد عمومی و روح کتاب و سنت دست می‌یابیم؟

### ۳: نظریه محقق نائینی

محقق نائینی نیز اخبار عرضه را به دو بخش تقسیم می‌کند. نخست روایاتی که مخالف کتاب را زخرف و باطل معرفی نموده که از ائمه (ع) صادر نمی‌شود و باید به دیوار زده شود. دوم روایاتی که در باب تعارض خبرین وارد شده و مفاد آنها این است که خبر موافق با قرآن باید مورد عمل واقع شود و روایت مخالف با قرآن طرد شود. نائینی سپس می‌افزاید عدم مخالفت با قرآن یکی از شرایط حجیت خبر واحد است حال چگونه موافقت با کتاب به عنوان یکی از مرجحات خبر در باب تعارض معرفی شده است؟ در واقع این دو طایفه از روایات عرضه خود دربردارنده نوعی

تنافی است زیرا طایفه اول می گوید مخالف کتاب باطل است و اساسا از حجیت برخوردار نیست ولی دسته دوم می گوید خبر موافق با کتاب را اخذ کن مفهوم آن این است که خبر مخالف با کتاب را رها کن در حالی که خبر مخالف کتاب اصلا حجیت ندارد. ایشان همین اشکال را به مرجع مخالفت با عامه نیز تسری می دهد. نائینی در مقام پاسخ از اشکال متذکر می شود که باید بین شرایط حجیت خبر و شرایط ترجیح یک خبر در فرض تعارض تفکیک قائل شد. با این توضیح که آن دسته از اخباری که مفاد آنها این بود مخالف کتاب باید طرد شود مخالفت از نوع تباین را مد نظر دارد. از این رو اگر خبری تباین کلی با کتاب عزیز داشت زخرف است و باطل و اساسا فاقد شرایط حجیت است و البته امکان صدور چنین خبری از معصومین وجود ندارد. اما اگر یکی از دو خبر متعارض با عمومات یا اطلاعات کتاب موافق بود ترجیح داده می شود و خبر دیگر کنار گذاشته می شود در عین حال که واجد شرایط حجیت می باشد. بنا بر این فرض تباین یک روایت با کتاب داخل در مقوله حجیت، فرض تنافی عمومی یکی از دو روایت متعارض با کتاب داخل در مقوله تعارض و فرض عموم و خصوص مطلق از باب جمع عرفی است. نائینی در پایان امر چهارم از فوائد الاصول برای ترجیح یک خبر به موافقت با کتاب مثال می زند که مثلا دو خبر وارد شده که مفاد یکی حلیت گوشت حمیر و مفاد دیگری حرمت آن است. در چنین فرضی خبری که موافق با عام قرآنی یعنی حلیت عموم اشیاء است ترجیح داده می شود. ایشان موافقت یک خبر با عموم و نیز اطلاق قرآن را مایه ترجیح می داند اما برخی دیگر مثل محقق خویی، تنها موافقت یک خبر با عمومات قرآن را موجب ترجیح آن خبر می داند اما اگر خبری در فرض تعارض با اطلاق یک آیه توافقی داشت، موجب ترجیح نیست زیرا به نظر ایشان استفاده عموم، لفظی است اما استفاده اطلاق نه به استناد لفظ بلکه بر اساس اجرای مقدمات حکمت و از

نوع دلالت عقلی است. (رک: خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۵۰) در حالی که اجرای مقدمات حکمت اگرچه عقلی است اما مثل عموم مستند به لفظ است. نکته قابل توجه این است که محقق نائینی بر خلاف مرحوم آخوند و محقق عراقی (عراقی، ۱۴۱۷: ۲۰۰/۴-۲۰۱) و موافق با شیخ انصاری قائل به ترتیب میان اسباب ترجیح همچون مرجح سندی، جهتی و مضمونی است و بر آن است که مرجح سندی بر مرجح جهتی، و مرجح جهتی بر مرجح مضمونی مقدم است. بنابراین اگر دو روایت یکی مشهور و دیگری مخالف عامه بود روایتی که شهرت به همراه اوست مرجح سندی دارد و مقدم است. همچنین اگر دو روایت، یکی مخالف عامه بود و مرجح جهتی داشت و روایت دوم موافق با کتاب و مرجح مضمونی داشت، روایت مخالف با عامه مقدم است چون مرجح جهتی بر مضمونی مقدم است. (رک: نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، صص ۷۸۰-۷۸۲)

### ۳-۱: مدلول روایات طرح

نسبت به روایاتی که مفاد آنها طرح روایت مخالف با کتاب است، محقق نائینی در فوائد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۳) و نیز شاگرد ایشان محقق خویی در دراسات فی علم الاصول (خویی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۹۱) همانند شیخ انصاری و مرحوم آخوند مشی نموده و مخالفت یک حدیث با قرآن را از نوع تباین یا عموم من وجه (در ماده جمع) دانسته‌اند (مثلاً در دو دلیل اکرم کل عالم و لاتکرم کل فاسق، نسبت به فرد عالم و نسبت به فرد فاسق غیر عالم تعارضی نیست. تعارض در ماده جمع یعنی فرد عالم فاسق است که دلیل اول بر اکرام او و دلیل دوم عدم اکرام او را طلب می‌کند.) و برآنند که نسبت عموم و خصوص مطلق یا اطلاق و تقیید میان قرآن و روایات اساساً در نظر عرف مخالفت محسوب نمی‌شود. بلکه از نوع تخالف بدوی است که با اندک تأملی زائل

می‌شود و در واقع خاص و مقید به منزله قرینه بر ذوالقرینه یعنی عام و مطلق است که از مخاطب رفع تحیر و سرگردانی می‌شود. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۳ و ج ۴، ص ۷۲۸؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۲۸) منطق تقدم خاص بر عام هم حکومت اصالة الظهور در طرف خاص بر اصالة الظهور در جانب عام است. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۱۶) نائینی می‌افزاید اگر این نوع ناسازگاری را مخالفت تلقی کنیم پیامد ناگوار مهمی دارد و آن تعطیلی احکام و شریعت است زیرا تشریعات قرآنی عموماً از نوع عام و مطلق است و سنت به منزله تبیین جزئیات و تفصیل احکام است که غالباً در قالب تخصیص و تقیید آمده است. حال پذیرفته نیست که از سویی پیشوایان معصوم (ع) خبر مخالف با قرآن را باطل اعلام نمایند و طبق فرض علاوه بر مخالفت تباین، مخالفت تخصیص و تقیید را هم شامل شود و از سوی دیگر ائمه (ع) انبوه زیادی از تشریع را با تخصیص و تقیید قرآن مقرر نمایند. (رک: نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۱۶۲-۱۶۳) به همین دلیل محقق خویی خروج این روایات را از تحت لسان ادله عرضه به تخصص می‌داند و نه تخصیص. (همانند خروج جاهل از تحت اکرم العالم) بدین معنا که اساساً مخالفتی اتفاق نیفتاده تا بعد بگوییم این اخبار مخالف، اخبار عرضه را تخصیص زده است. نکته مرحوم خویی بویژه با تمرکز بر عناوینی چون زخرف، باطل، و لم نقله ترکیب می‌شود. (خویی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۹۱؛ ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۲۸) نائینی سپس همانند شیخ انصاری حمل اخبار عرضه را بر فرض تباین خالی از اشکال نمی‌داند. به نظر ایشان اشکال تباین در این است که اساساً ما خبری که در تباین کلی با قرآن کریم باشد؛ نداریم کسانی هم که به دنبال دس و وضع بودند نیز به این مساله آگاه بودند لذا از جعل خبر مباین با قرآن کریم دوری می‌کردند. از این رو ایشان هم محمل‌های دیگری از قبیل اصول اعتقادی همچون نفی جبر

و تفویض و قدر را جستجو می کند و این که بخش دیگری از روایات ناظر به باب تعارض باشد.  
(نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۳)

### ۳-۲: دیدگاه قضیه خارجیّه

مرحوم نائینی طبق تقریر اجدود التقریرات، برداشت متفاوتی ارائه نموده است که هم در رفع اشکال گذشته موثر است و هم پاسخی به ادعای جریان قرآن محوری است که اصرار دارند به منظور تمییز حجت از لا حجت، عرضه اخبار بر قرآن ضروری است. ایشان با عنایت به قرینه صدور این روایات در عصر امام صادق (ع)، بر آن است که محط اصلی روایات عرضه، نفی اخباری است که توسط برخی از غلاة و معتقدین به الوهیت ائمه (ع) در زمان امام صادق (ع) و در حوزه عقاید جعل شده بود و در ضمن آن منکر نماز و روزه و .. شده بودند. چنان که برخی از آنها به جعل تعداد زیادی روایت اعتراف نموده اند. لذا این روایات در صدد انکار افکار و برداشت های آنهاست. به عبارت دیگر این روایات مربوط به یک قضیه خارجیّه است که در زمان امام صادق (ع) جعل خبر در اصول اعتقادی و احکام به کثرت صورت می پذیرفت از این رو امام در صدد ارائه ملاک و معیاری متقن برای تمییز اخبار جعلی از اخبار صحیح برآمدند و آن معیار عدم مخالفت با قرآن بود (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۲)<sup>۱</sup> که البته با پالایشی که صورت گرفت بویژه توسط صاحبان اصول اربع مائه و نیز مولفین کتب اربعه این احادیث به مجامیع روایی شیعه ورود

---

<sup>۱</sup> . و هی و ان کانت کثیرة إلا ان الظاهر منها خصوصا بقرینة صدورها فی زمان الصادق علیه السلام انها فی مقام الأمر بطرح الأخبار التي وضعتها جماعة من أهل ذلك العصر الذين ذهبوا إلى ألوهيته عليه السلام و أنكروا وجوب الصلاة و الصوم و الزكاة و أولوا الآيات فقالوا ان الصلاة كان رجلا و غيره من الخرافات فصدر هذه الاخبار فی مقام إنكار أقوالهم و ما ينسبونه إليه عليه السلام.

چندانی نیافت. نتیجه مهمی که بر این بیان مترتب می‌شود این است که خبر بما هو خبر برای حجیت خود نیازی به موافقت با قرآن ندارد و اقتضای حجیت را دارد تنها اگر مخالف با قرآن بود به دلیل احتمال جعل آن از اعتبار خارج است.

ممکن است بر این مدعا شواهدی اقامه شود: اولاً اگر شرط اعتبار خبر، عدم مخالفت با قرآن بود باید توسط پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع) هم ابراز می‌شد در حالی که غالب اخبار عرضه به دوره امام باقر و امام صادق (ع) برمی‌گردد. زیرا فرق و نحله‌های انحرافی همچون زناده در آن زمان زیاد بود که برخی از آنها همچون عبد‌الکریم بن أبی العوجاء به جعل تعداد زیادی حدیث در عرصه عقاید و احکام اعتراف کرده است. (علم الهدی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۲۸ و ۱۳۷) از این رو با توجه به شیوع جعل اخبار در آن دوره، کثرت صدور روایات عرضه توجیه پذیر است ثانیاً تعبیر **ثُمَّ رُدُّهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ** (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۲/۲۷) که در برخی از روایات عرضه آمده، قرینه است بر این که مربوط به زمان حضور امام (ع) است که امکان ارائه بر امام (ع) وجود داشته است. ثالثاً و مهم‌تر این که صدور روایتی از ائمه معصومین (ع) که در تباین با قرآن کریم باشد با توجه به گستره علم و احاطه کامل آنان بر قرآن کریم پذیرفته نیست و اساساً فرض ندارد چنان‌که محشی کفایه مرحوم بروجردی بیان کرده است. (بروجردی، ج ۱، ص ۵۶۲) این بیان محقق نائینی بیان متفاوتی است که البته توسط شیخ انصاری و برخی دیگر به صورت اجمالی مطرح شده بود.

### ۳-۳: بررسی نظریه محقق نائینی

چنان‌که در بالا گذشت نظریه محقق نائینی مبتنی بر تحلیل تاریخی و معطوف به عصر صدور روایات عرضه و قضیه خارجی است بدین معنا که ایشان معتقد است با توجه به رویکرد انحرافی و غلو گرایانه برخی از روات، روایاتی که با اصول و مبانی درست شیعی ناسازگار بود وارد چرخه نقل و روایت حدیث گردید از این رو امام باقر و امام صادق (ع) عرضه بر قرآن را به عنوان سنجه و معیاری مطمئن برای ارزیابی و پالایش اخبار معرفی نمودند تا از ورود اخبار ضعیف و ناسازگار با اصول اعتقادی شیعه جلوگیری شود. در مقام بررسی نظریه محقق نائینی به اختصار قابل ذکر است که اولاً روایات عرضه تنها از امام باقر و امام صادق (ع) روایت نشده بلکه از پیامبر اسلام (ص) و امیر المومنین (ع) و امام رضا (ع) نیز روایاتی بدین مضمون رسیده است (رک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۷۹) در کتب روایی اهل سنت نیز روایات عرضه به نقل از پیامبر اسلام (ص) آمده است (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۷) ثانیاً پذیرفته است که گاه روایاتی به صورت آگاهانه و با انگیزه جعل و وضع و دس و تحریف توسط برخی غالیان صورت گرفته است اما تمام سخن در این است که گاه روایاتی به صورت ناآگاهانه و به دلیل عدم ضبط صحیح روایت یا نقل به معنا و بدون انگیزه جعل و وضع وارد چرخه نقل حدیث شده است از این رو ائمه علیهم السلام عرضه بر قرآن را به عنوان معیار سنجش قرار داده اند تا از ورود این دسته از روایات به فضای تشریع جلوگیری نمایند. و روشن است که این موضوع اختصاص به عصر امام باقر و امام صادق (ع) ندارد. اطلاق روایات عرضه نیز از عدم اختصاص آنها به دوره‌ای خاص حکایت دارد. افزون بر این که در مقابل مرحوم نائینی، برخی محققین همچون شهید صدر و آیت الله سیستانی اساساً اخبار عرضه را ناظر به سازگاری و مطابقت با روح آیات قرآن و نه نص و الفاظ آن دانسته‌اند که در متن مقاله به آنها پرداخته شد.

## نتیجه گیری:

شناخت مدلول اخبار عرضه از مباحث مهم و چالشی در علم اصول است که ثمرات مهمی در بحث حجیت خبر واحد، تمییز حجت از لا حجت، تعارض و ترجیح یکی از خبرین دارد. در فقه نیز موارد بی شماری از تعارض اخبار وجود دارد که با فرض توافق با قرآن، خبر ذوالترجیح مقدم می شود. ضمن این که اثبات تحریف ناپذیری قرآن، امکان وصول به مراد خداوند از جملات قرآن، اراده ی معنای خاص خداوند از الفاظ و آیات قرآن به شکل غیر مستقیم با اخبار عرضه قابل تحلیل و بررسی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر آراء محقق کم نظیر نائینی رحمه الله این بحث را پیگیری نمود و به نتایج ذیل دست یافت.

۱: اخبار عرضه از حیث کمیت مجموعه زیادی را شامل می شود که از آنها به متضافر و یا متواتر (مضمونی یا اجمالی) یاد شده است.

۲: محقق نائینی هم مثل جمع زیادی از اصولیین احادیث عرضه را در دو سطح متعارضین و غیر متعارضین بررسی و پیگیری نموده است.

۳: عنوان مخالفت در روایات عرضه از مباحث چالشی در بین اصولیین بود. جمع زیادی تخالف را به تباین کلی تفسیر نمودند. اما با توجه به اشکالاتی از قبیل نادر بودن اخبار متباین با کتاب و یا حتی عدم وجود این اخبار، تخالف را مربوط به اصول عقاید، اخبار ظنی غیر ثقه و یا مثل آخوند خراسانی به باطن قرآن برگرداندند. برخی دیگر مواجهه تخالف را نسبت به روح عامه و قوانین کلی قرآن سنت تعبیر کردند. مرحوم نائینی اشکال را در فقدان روایات متباین با قرآن بیان کرد

و اگر چه ایشان هم مثل سایرین ابتدا اصول عقاید را محمل مناسبی برای عنوان تخالف در اخبار عرضه تبیین نمود اما با توجه به قرینه صدور غالب این روایات در عصر امام صادق (ع) و جعل بی رویه اخبار، عنوان تخالف در روایات عرضه را به عنوان معیاری برای تفکیک اخبار جعلی از غیر جعلی معرفی نمودند. به عبارت دیگر (با توضیح مقاله) این نگاه بر خلاف ادعای جریان قرآن محوری که بر لزوم عرضه هر خبری بر قرآن اصرار دارد، معتقد است شان صدور و تمرکز اصلی اخبار عرضه تفکیک میان اخبار جعلی از غیر جعلی است نه تفکیک حجت از لا حجت از این رو اقتضای اولیه روایات بدون عرضه بر قرآن، حجیت است.

۴: محقق نائینی موافقت یک خبر با عموم و اطلاق قرآن هر دو را موجب ترجیح دانسته اما برخی مثل محقق خویی، تنها موافقت یک خبر با عمومات قرآن را موجب ترجیح آن خبر می‌دانند اما اگر خبری در فرض تعارض با اطلاق یک آیه توافق داشت، موجب ترجیح نیست.

## منابع:

### قران كريم

۱. ابن زهره، حمزه بن على حسینی (۱۴۱۷ هـ ق)، غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۲۸). فرائد الاصول، قم، مجمع دار الفكر الاسلامی.
۳. بحرانی، یوسف بن محمد (۱۴۰۵). حدائق الناظره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۴. بروجردي، سيد حسين (۱۴۱۲). الحاشیة على كفايہ الأصول، قم، انصاریان.
۵. حب الله، حیدر (۲۰۰۶). نظریه السنه فی الفكر الامامی الشیعی، بیروت، مؤسسه الانتشار العربی.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۷. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹). کفایه الاصول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹). تنقیح الاصول، تهران، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی.
۹. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲). مصباح الاصول (مباحث الفاظ)، قم، مکتبه داوری.
۱۰. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۹). دراسات فی علم الاصول، قم، مؤسسه دار المعارف فقه اسلامی.

۱۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). *التنقیح فی شرح عروه الوثقی*، قم، دار الهادی للمطبوعات.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۴۱۹). *مصادر الفقه الاسلامی*، بیروت، دار الاضواء.
۱۳. سید مرتضی (بی تا). *رسائل المرتضی*، قم، مطبعة الخيام.
۱۴. سیستانی، سید علی (۱۴۱۴). *الرافد فی علم الاصول*، قم، لیتو گرافی حمید.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶). *الفرقان فی تفسیر القرآن*، بی جا، فرهنگ اسلامی.
۱۶. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۸). *مباحث الاصول*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۷. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷). *بحوث فی علم الاصول*، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن آیوب بن مطیر اللخمی الشامی (۱۴۱۵). *المعجم الکبیر*، دار النشر، القاهرة.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *مجمع البیان*، مشهد، نشر مرتضی.
۲۰. طلال الحسن، (حیدری، سید کمال) (۱۴۳۷). *میزان تصحیح موروث الروائی*، الکاظمیه المقدسه، موسسه الامام الجواد (ع).
۲۱. طلال الحسن، (بی تا). *اسلام القرآن و اسلام الحدیث*، بی جا، بی نا.
۲۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (۱۳۹۰). *الاستبصار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۲۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ هـ ق). *تهذیب الأحکام*، تهران، دار  
الکتب الإسلامیة.
۲۴. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۷). *نهایه الافکار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته  
به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۲۵. علم الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸). *أمالی المرتضی، محقق / مصحح: ابراهیم،  
محمد ابو الفضل، قاهره، دار الفكر العربی.*
۲۶. غلوم علی، علی حسن، (۱۴۳۲). *مرجعیة القرآن فی الاستنباط الفقہی عند العلامة  
فضل الله، لإجتہاد و التجدید، الصیف، العدد ۱۹.*
۲۷. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱). *مقیاس الهدیہ، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.*
۲۸. محقق داماد، سید محمد (۱۳۸۲). *المحاضرات*، اصفهان، انتشارات مبارک.
۲۹. مسعودی، عبد الهادی (۱۳۹۲). *آسیب شناسی حدیث*، تهران، انتشارات سمت.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۴). *تصحیح الاعتقاد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۱. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹). *التفسیر الاثری الجامع*، قم، موسسه فرهنگی  
انتشارات التمهید.
۳۲. موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۸۰). *منتہی الاصول*، تهران، موسسه العروج.
۳۳. نائینی، محمد حسین (۱۳۵۲). *اجود التقريرات*، قم، مطبعه العرفان.
۳۴. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه  
قم.

